

Land Reform and Social Structures in Iran

Ali Akbar Razmjoo¹
Mohadeseh Razmjoo²

Received: 9 Dec 2022
Reception: 20 Jan 2022

In the 1940s, Iran was involved in many events, including the coup d'état of 28 mor-dad/19 August 1953, Modernism and modernity symbolically, expansion of the petty bourgeois social class due to oil revenues from the signing of the Consortium Agreement and the economy is going bankrupt. In order to increase the purchasing power of farmers, find a market for urban industrial products, increase agricultural products, prevent the peasant revolution, stabilize the political system, and use rural labor in urban industries, the then Iranian government implemented a land reform plan in three stages. This research has described the consequences of land reform on the social structure of Iran with a descriptive-analytical method. The results indicate that land reform has consequences such as the formation of a new system of social stratification in rural areas, the emergence of government petty bourgeoisie in agriculture, the gradual disappearance of the rural organization called 'Baneh' in rural areas, accelerated rural-urban migration, agricultural disintegration, development bureaucracy and Centralism in rural areas, increasing social inequalities between farmers, unequal land distribution, rising unemployment, and the expansion of the exploitation system based on land capitalism in Iran.

Key words: Land Reform, Pahlavi Period, Social Structure.

1. Assistant Professor of Communications, Radio and Television University, Iran. Aliakbar_razmjoo@yahoo.com.

2. PhD student in Public Law, University of Tehran, Iran. mohadesehrazmjoo@yahoo.com.

اصلاحات ارضی و ساختارهای اجتماعی ایران

علی اکبر رزمجو^۱ دریافت: ۱۴۰۱/۹/۱۹
 محدثه رزمجو^۲ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۱

چکیده

ایران در دهه ۴۰ شاهد کودتای نظامی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، مدرنیسم و تجدد ظاهری، رشد روزافزون خرده‌بورژوازی ناشی از درآمدهای نفتی حاصل از امضای قرارداد کنسرسیوم، و اقتصادی رو به ورشکستگی بود. دولت ایران باهدف ایجاد قدرت خرید برای زارعان، پیدا کردن بازار برای تولیدات صنایع شهری، افزایش محصولات کشاورزی، جلوگیری از انقلاب دهقانی، افزایش پایداری ساختار سیاسی و استفاده از نیروی انسانی روستایی در صنایع شهری، طرح اصلاحات ارضی را در سه مرحله به اجرا گذاشت. این تحقیق با روش توصیفی تحلیلی به بسط پیامدهای اصلاحات ارضی بر ساختار اجتماعی ایران پرداخته است. و نتایج آن نشان می‌دهد اصلاحات ارضی موجب پیامدهایی همچون: ایجاد قشر بندی جدید اجتماعی در روستاها، ظهور خرده‌بورژوازی حکومتی در کشاورزی، تحلیل تدریجی سازمان اجتماعی بنه در روستاها، رشد سریع روند مهاجرت روستاییان به شهرها، از هم گسستگی کشاورزی، توسعه بوروکراسی و تمرکزگرایی در روستاها، افزایش نابرابری اجتماعی در میان دهقانان، توزیع ناعادلانه زمین، افزایش بیکاری، گسترش نظام بهره‌برداری مبتنی بر سرمایه‌داری ارضی در ایران گردیده است.

واژگان کلیدی: اصلاحات ارضی، دوره پهلوی، ساختار اجتماعی،

فصلنامه تحولات سیاسی اجتماعی معاصر ایران، سال دوم، شماره اول (پیاپی ۲) بهار ۱۴۰۲

1. استادیار ارتباطات دانشگاه صداوسیما.

2. دانشجوی دکتری حقوق عمومی دانشگاه تهران.

Aliakbar_razmjoo@yahoo.com

mohadesehrazmjoo@yahoo.com

مقدمه و بیان مسئله

ایران در خلال سال‌های دهه‌های ۴۰ و ۵۰ کشوری است که از سویی، خاطره کودتای نظامی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ را که با دخالت بیگانگان به وقوع پیوست و از سوی دیگر، خاطره کوتاه‌مدت حکومت قانون، مدنیت و آزادی بیان دوران مصدق و نیز فریبکاری‌ها و بازی‌های سیاسی - چه از ناحیه گروه‌ها و احزاب مخالف و چه از ناحیه گروه‌ها و احزاب موافق حکومت - را در حافظه خود جای داده بود. از طرف دیگر تجددگرایی، با مشخصه مصرف‌گرایی و رشد روزافزون خرده‌بورژوازی ناشی از درآمدهای نفتی - به صورت نوسازی از بالا توسط حکومت، دور هنگام تر از کشورهای اروپایی، در فضای فرهنگی بسیار سنتی و پدرسالاری آن زمان در حال تکوین بود. حکومت توتالیتر وقت، احزاب سیاسی مخالف را منحل کرده و به قلع و قمع و تصفیه افراد مخالف پرداخت، حکومت به اجرای بسته‌های فرهنگی و اصلاحات فرمایشی داخل چهارچوب مانند انقلاب سفید (اعم از اصلاحات ارضی، حق رأی زنان و...) برای استیلای بیشتر و ایجاد جامعه تک‌صدایی منسجم، دست زد. از طرف دیگر، تأسیس سازمان‌های اطلاعاتی مانند ساواک و رکن دوم، تقویت ارگان‌های نظامی نظیر ارتش، شهربانی و ژاندارمری حالتی کاملاً میلیتاریستی در کشور ایجاد کرد. روشنفکران سرخورده از احزاب مخالف حکومت وقت از یکسو با فضای سنگین استبداد، سانسور و خفقان حاکم بر کشور و از سوی دیگر عدم همراهی مردم روبرو بودند. کمک‌های ۵۶۷ میلیون دلاری اقتصادی و مالی و نیز کمک ۴۵۴ میلیون دلاری نظامی ایالات متحده از سال ۱۳۳۲ به بعد، همچنین درآمد حاصل از نفت پس از امضای قرارداد کنسرسیون، به مصارف غیر لازم رسید و دولت با کسر پرداخت‌ها و تورم دست‌به‌گریبان بود و اقتصاد رژیم در آستانه ورشکستگی قرار داشت. از لحاظ خارجی، در مجاورت ایران حوادث مهمی روی داده بود، در عراق رژیم سلطنتی وابسته به امپریالیسم سرنگون شد. در ترکیه دولت دیکتاتوری پاپا مندرس، نقطه اتکای نظامی - سیاسی آمریکا در منطقه با کودتای نظامیان سقوط کرد. دولت ایالات متحده آمریکا و متحدین غربی او دیگر حاضر نبودند کمک‌های خود را به ایران ادامه دهند، درعین حال نمی‌توانستند شاهد فروپاشی رژیمی باشند که برای حفظ آن از جنبه‌های سیاسی - نظامی سرمایه‌گذاری کلانی کرده بودند. مخالفان و روشنفکران ایران، از دولت آمریکا به علت حمایت از رژیم مستبد و فاسد شاه انتقاد می‌کردند و کمک‌های واشینگتن را به رژیم ایران،

نوعی پاداش به محمدرضا شاه تلقی می نمودند. در این اثنا شاه در اثر نگرانی شدید در برابر تحولات خاورمیانه و سرخوردگی از پیمان بغداد که بیش از تأمین انتظارات مالی و نظامی ایران، خشم شوروی را علیه حکومت برانگیخته بود، دست دوستی به سوی مسکو دراز کرد تا از یک سو موازنه قدرت ایجاد نماید و حمایت وی از سیاست امریکا امری مسلم تلقی نشود و از سوی دیگر اهرمی برای اعمال فشار بر آمریکایی ها در دست داشته باشد. در اواخر دی ماه ۱۳۳۷ شاه به مانوری در این راستا دست زد و بدون اطلاع متحدین خود در پیمان بغداد، در زمینه عقد یک قرارداد عدم تجاوز با شوروی وارد مذاکره شد (اصغری زرگرآبادی، ۱۳۸۸: ۴۴). در ۲۰ ژانویه ۱۹۶۱ (دی ماه ۱۳۳۹) جان اف. کندی که رقیب خود، ریچارد نیکسون را شکست داده بود، به عنوان سی و پنجمین رئیس جمهوری امریکا با احساس و تمایلات بشردوستانه قصد داشت به ملت های فقیر و زیر سلطه دیکتاتوری کمک کند. ولی انگیزه او در ایجاد اصلاحات اجتماعی و پیشرفت اقتصادی کشورهای جهان سوم در حقیقت مقابله با تهدید کمونیسم و اتحاد جماهیر شوروی بود. وی برای نیل به این هدف، در تقلیل کمک های نظامی و جایگزین کردن آن با سرمایه گذاری و کمک در امر توسعه و پیشرفت اقتصاد کشورهای مزبور، تأکید داشت. آرمین مایر^۱ که طی سال های ۱۹۶۵ تا ۱۹۶۹ سفیر امریکا در ایران بود، انتصاب علی امینی را به سمت نخست وزیر، به توصیه دولت امریکا می دانست. سیاست خارجی دولت کندی، در قبال کشورهای توسعه نیافته و جهان سوم، اجرای رفرم از بالا به پایین در جهت پیشگیری از انقلاب قهرآمیز بود، این برنامه تحت عنوان «اتحاد برای پیشرفت در ۱۳ مارس ۱۹۶۱ (اسفند ۱۳۳۹)» اعلام شد (قوام ملکی و همکاران، ۱۳۹۶: ۵). شاه پس از سفر ۴۵ روزه خود به آمریکا در آبان ۱۳۲۸، در راستای اهداف ایالات متحده، به دنبال پیاده سازی طرح اصلاحات ارضی با اهداف برخورداری دهقانان و طبقات محروم از یک زندگی خوب، واگذاری اراضی به سازمان شاهنشاهی با اقساط طولانی مدت و فروش آن با قیمت تمام شده همراه با اقساط کوچک به برزگران، تقسیم مجانی اراضی خالصه بین مردم و تأسیس شرکت های تعاونی با استفاده از ماشین آلات جدید کشاورزی باهدف افزایش میزان محصولات و نزدیکی مردم به ارزش های غربی و دوری از ایدئولوژی مارکسیستی شرق بود. لذا این تحقیق با بهره گیری از شیوه توصیفی تحلیلی بر مبنای، اهداف و پیامد اصلاحات ارضی بر ساختار اجتماعی ایران با بیان ابعاد مراحل سه گانه اجرایی آن سازماندهی گشته

است. و سؤال اصلی تحقیق این است که، تأثیر اصلاحات ارضی بر ساختار اجتماعی ایران به چه نحو بوده است؟ و هدف تحقیق نیز، بیان زمینه‌های داخلی و خارجی اصلاحات ارضی و ابعاد مراحل سه‌گانه اجرایی آن با تبیین تأثیر آن بر ساختار اجتماعی ایران است.

پیشینه تحقیق

زهرا صمصامی مزرعه آخوند در پایان‌نامه خود با موضوع بررسی پیامدهای سیاسی - اجتماعی اصلاحات ارضی در سال ۱۳۹۰ با بررسی زمینه‌های داخلی و خارجی اصلاحات ارضی و تبیین انواع مالکیت قبل و بعدازآن و بیان دلایل مخالفان اصلاحات به بررسی پیامدهای اجتماعی آن می‌پردازد. وی تأکید خود را بر جریان‌های سیاسی داخل کشور و ظهور مارکسیست در ایران و استبداد شاه و افزایش افکار رادیکالیزم در بین جمعیت جوان و مهاجرت‌های بی‌وقفه روستایی همراه با کاهش تولید کشاورزی و خشک‌سالی‌های متعدد در ایران و گسترش هم‌زمان مالکیت بزرگ سرمایه‌داری ارضی به‌ویژه با تأکید بر کمبود تأسیسات و تسهیلات زندگی در روستاها می‌دارد. در این میان عدم تخصیص بودجه به بخش کشاورزی و توسعه مناطق شهری و افزایش حاشیه‌نشینی را در تشدید بحران‌های اجتماعی مؤثر می‌داند.

راحله شهریاری در پایان‌نامه خود با موضوع اصلاحات ارضی در ایران (۱۳۵۰-۱۳۴۰) در سال ۱۳۸۴ ضمن بررسی برنامه اصلاحات ارضی در زمان دولت امینی و علل و اهداف آن با مروری بر پیشینه اصلاحات و بررسی انواع شیوه‌های تولید و اشکال بهره‌برداری و تبیین مشخصات و امتیازات شرکت‌های سهامی زراعی بایبان مراحل اصلاحات ارضی و قوانین موجود در هر دوره به تحلیل اصلاحات و تأثیر آن بر طبقات اجتماعی پرداخته است.

شهرام شاهوردی در پایان‌نامه خود با موضوع اصلاحات ارضی و پیامدهای سیاسی - اجتماعی آن در ایران در سال ۱۳۷۳ به بررسی مفهوم فئودالیسم و سیستم فئودالی در اروپا و ایران می‌پردازد. وی به مقایسه اهداف و علل اصلاحات ارضی در آسیا، آمریکای لاتین و خاورمیانه با توجه به اصلاحات ارضی در ایران و زمینه‌های داخلی آن اعم از جنبش‌های روستایی زمان مشروطیت و جنبش جنگل توأم با دیکتاتوری رضاخان پرداخته است. در این حین با بررسی عوامل اقتصادی و قدرت مالکان در زمان دولت امینی به نقش اصلاحات

ارضی در تحلیل تدریجی بنه‌ها و از هم گسستگی کشاورزی توأم با توزیع غیرعادلانه زمین و افزایش بیکاری پرداخته است.

چارچوب نظری تحقیق

نظریه ساختار - کارگزار

این نظریه که توسط آنتونی گیدنز^۲ مطرح شده، در تلاش است تا تمایز ساختار و کارگزار در دیدگاه‌های ساختارگرایی و اراده‌گرایی را نفی کرده و بر تعامل این دو مفهوم و رابطه دیالکتیکی آن‌ها تأکید کند. نقطه شروع بحث گیدنز دخیل دانستن ساختار و کارگزار در تبیین پدیده‌های اجتماعی است، بدون اینکه یکی را تعیین‌کننده دیگری بداند. در واقع در این نظریه تعامل بین کارگزار و ساختار باعث قرار گرفتن کنشگر در زمینه فعالیت شده و نتایج عمل او ناشی از کنش فردی او و زمینه‌های ساختاری عمل فرد است. در این زمینه، گیدنز به دو مفهوم ساخت یابی و دوگانگی ساختار اشاره می‌کند. مفهوم ساخت یابی، ایده وابستگی متقابل و ارتباط درونی را مطرح می‌سازد و مفهوم دوگانگی ساختار به این معنی است که ساختارهای اجتماعی ساخته کارگزاری انسان هستند ولی درعین حال، ابزار و وسیله این ساخت نیز هستند. به عبارت دیگر دوگانگی ساختاری به نحوه ارتباط کارگزار و ساختار اشاره دارد. بر این اساس ساختارهای اجتماعی از یک جهت واسطه وقوع کنش‌های کارگزاران هستند و یا به عبارتی شرایط عمل کارگزاران را فراهم می‌کنند و از طرفی نیز خودشان به وسیله همان کنش‌ها بازسازی می‌شوند. به نظر او جامعه‌شناسی معمولاً ساختار را نوعی ویژگی مقیدکننده یا تعیین‌کننده حیات اجتماعی می‌داند، اما در واقع ساختار، چاره‌ساز نیز هست (وحیدی، ۱۳۹۵: ۷).

مراحل اصلاحات ارضی

اصلاحات ارضی در ایران در چند مرحله اجرا شد؛ چراکه بیم آن می‌رفت که اجرای یک‌باره آن در جامعه‌ای مانند ایران که سابقه‌ای دیرین در روابط ارباب‌رعیتی داشت با شکست مواجه گردد. این فرایند در سه مرحله تعریف و تقسیم‌بندی شده است.

۱- مرحله اول اصلاحات ارضی (۱۳۴۱-۱۳۴۳)

در مرحله نخستین اصلاحات ارضی هدف اصلی، خلعید اقتصادی بزرگ مالکان بود که برای انجام دادن آن راهی نسبتاً ساده و عملی یافته شد؛ به جای آنکه پایه اصلاحات ارضی بر مساحت زمین‌های کشاورزی گذارده شود و برای آن حداکثری تعیین گردد، ده شش‌دانگ که از دیرباز واحد تولید کشاورزی به شمار می‌رفت، اساس کار قرار داده و مالکیت زمین به داشتن یک ده محدود شد. هر بزرگ مالکی می‌بایست از میان دهات ملکی خویش یکی را برای خود برگزیند و بازمانده را به دولت بفروشد تا میان کشاورزان تقسیم گردد. برای تقسیم زمین میان کشاورزان نیز راهی ساده در پیش گرفته شد و آن تقسیم زمین بر اساس نسق بندی زراعی معمول دهات بود. از دیرباز کشاورزان قطعه زمینی را برای زراعت در اختیار داشتند؛ این تقسیم‌بندی بر اساس عرف و عادت محل انجام می‌گرفت و گاه نسل‌ها حفظ می‌شد. بر طبق قانون در دهات مشمول اصلاحات ارضی، هر زارعی زمینی را که بر روی آن زراعت می‌کرد، صاحب می‌شد (امینی، ۱۳۹۰: ۸۸).

۱-۲ - مرحله دوم اصلاحات ارضی (۱۳۴۳-۱۳۴۹)

در دی‌ماه ۱۳۴۱ شمسی متممی به نام «مواد الحاقی» برای تکمیل قانون اصلی اصلاحات ارضی به تصویب رسید و بر اساس آن سازمان اصلاحات ارضی کل کشور آماده اجرای مرحله دوم قانون شد که این کار پس از انجام دادن تشریفات مقدماتی آن از اسفندماه ۱۳۴۳ شمسی در سراسر کشور آغاز گردید. در این مرحله مقرر شد که مالکان بزرگی که اراضی آن‌ها مشمول مرحله اول اصلاحات ارضی نشده بود بین ۲۰ تا ۱۵۰ هکتار از اراضی مکانیزه را برای خود نگه‌دارند و بقیه را به یکی از سه روش پیشنهادی ذیل به رعیت واگذار کنند:

روش اول: املاک خود را به‌صورت نقدی به رعیت اجاره دهند و مدت اجاره هم ۳۰ سال باشد.

روش دوم: اراضی خود را مستقیماً به رعیت یا رعایا بفروشند و سند هم به نام آنان صادر شود.

روش سوم: مالک و رعیت باهم شریک شوند و بر اساس میزان کار و نهاده‌های ارائه‌شده

از طرفین، ۲ سهم از ۵ سهم مالک و ۳ سهم از ۵ سهم را رعیت ببرد که تقریباً همان شیوه ارباب‌رعیتی قبل از اصلاحات ارضی بود با این تفاوت که واحدهای سهامی مشترک و یا نوعی تعاونی تولید تشکیل می‌شد. طبق آمارهای ثبت‌شده، حدود ۸۰ درصد اربابان راه اول را انتخاب کردند که ضمن حفظ املاک خود توانستند هر ۵ سال یک‌بار نیز مبلغ اجاره را تغییر دهند.

۱-۳- مرحله سوم اصلاحات ارضی (۱۳۴۹-۱۳۵۱):

این مرحله تا اواسط سال ۱۳۵۱ طول کشید که در واقع اصلاح برنامه‌های اول و دوم بود و موجب نارضایتی بین زارعان شد و بلا تکلیفی بعضی از مفاد اصلاحات ارضی را نیز به همراه داشت. در این مرحله سیاست‌هایی به مرحله اجرا درآمد که در مجموع به نفع قشر مرفه و اربابان سابق تمام شد؛ به طوری که در این مرحله باید یکی از دو پیشنهاد زیر بین ارباب و رعیت انتخاب و رعایت می‌شد:

۱- زمین‌های کشاورزی باید بین مالکان (اجاره دهندگان) و زارعان (اجاره‌کننده‌ها) به نسبت بهره مالکانه متداول تقسیم می‌شد.

۲- زمین‌های زراعی به قیمت بیش از ۱۲ برابر اجاره‌بهای سالیانه آن، از طرف دولت به زارعان فروخته می‌شد که مسلماً فشارهای مالی به کشاورزان در روستاها به مراتب بیشتر می‌شد و اگر قادر به برقراری چنین توافقی نبودند باید مانند سابق به صورت رعیت در اختیار مالکان مشغول به کار می‌شدند و ادعای مالکیتی روی زمین نداشته باشند (Alatas, ۱۹۹۳: ۴۷۹).

اهداف اصلاحات ارضی:

- الف. پیدا کردن قوه خرید زارعان؛
- ب. پیدا کردن بازار برای تولیدات صنایع شهری؛
- ج. افزایش محصولات کشاورزی؛
- چ. استفاده از نیروی انسانی اضافی روستائیان در صنایع شهری؛
- ح. افزایش پایداری ساختار سیاسی؛
- خ. جلوگیری از انقلاب دهقانی قریب‌الوقوع در ایران.

مطابق تحلیل احمد اشرف، انقلاب سفید تحت فشار دولت کندی از بالا برنامه‌ریزی و اجرا شد. نه دهقانان و نه طبقه متوسط، هیچ‌کدام در شروع آن مشارکت نداشتند. آغاز انقلاب سفید یک انتخاب سیاسی بود که عمدتاً از خارج از حکومت نشئت می‌گرفت و فرآیندی بدون طرح و برنامه داشت. در نتیجه مسیر و پیامدهای آن علاوه بر اینکه تحت تأثیر بازیگران سیاسی داخلی و خارجی بود تحت تأثیر منافع مادی و غیرمادی نیروهای عمده اجتماعی نیز قرار گرفت. بازیگران اصلی عبارت بودند از: شاه، علی امینی (نخست‌وزیر)، حسن ارسنجانی (وزیر کشاورزی) و دولت کندی از ایالات متحده آمریکا (آوری، ۱۳۹۲: ۷۷). وقوع اصلاحات ارضی در دوره پهلوی دوم، پایگاه اجتماعی قدرتمند مارکسیسم لنینیسم را در ایران به شکل موفقیت‌آمیزی از بین برد. برخی از دهقانان نیز در تظاهرات ضدانقلابی شرکت کردند، همانند کسانی که در تظاهرات ضد رژیم به انجمن‌ها، ادارات محلی، وزارت آموزش و پرورش حمله می‌کردند. اعتراضات انقلابی روستاییان ایرانی نه از موضع مارکسیسم و مائوئیسم بلکه از موضع اسلامی صورت می‌گرفت.

پیامدهای اجتماعی اصلاحات ارضی

۱- قشربندی اجتماعی روستاها پس از اصلاحات ارضی

با اجرای اصلاحات ارضی قشربندی اجتماع گذشته روستاها دچار تغییر گردید. پس از اصلاحات هر یک از گروه‌ها سعی کردند که پست‌های سیاسی، اجتماعی را در مؤسسات روستایی به انحصار خود درآورند و در حفظ و بسط منافع خود بکوشند. قشربندی قبل از اصلاحات را به شرح زیر می‌توان خلاصه نمود:

الف - وجود مالک و عواملی محلی او مانند: کدخدا، مباشر و دهقانان مرفه: مانند سربینه‌ها و گاوبندها

ب - سوداگران روستایی مانند مغازه‌داران، معامله‌گران و پول‌قرض‌بده‌ها

ج - دهقانان صاحب نسق

هـ - خوش‌نشین‌ها مانند کارگران کشاورزی که در قاعده هرم قدرت داشتند.

بعد از اصلاحات ارضی قشر بندی های اجتماعی به این ترتیب صورت گرفت:

مالکان غایب از ده: در سال ۱۳۴۱ تقریباً هم ۱۶,۶ میلیون هکتار زمین کشاورزی در ایران متعلق به مالکان غیابی بود. این زمین را حدود ۱ و ۲ میلیون نفر زارع که به ازای کارشان سهمی از محصول دریافت می کردند، زیر کشت می بردند. اگر همه این زمین ها را میان کشاورزانی که از حق سنتی کشت کاری یعنی نسق برخوردار بودند به طور مساوی تقسیم می کردند به هر یک ۶ و ۷ هکتار زمین می رسید. این رقم مفهوم خاصی دارد، چون نزدیک به رقم ۷ هکتاری است که کارشناسان کشاورزی و جامعه شناسان مسائل روستایی ایران آن را حداقل زمین لازم برای تأمین معاش یک ساله یک خانواده ۵ نفری روستایی در سطحی متوسط می دانند (کارگر اسفند آبادی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۷). اصلاحات ارضی املاک متعلق به مالکین غایب از ده را به طور کلی از میان نبرد. قصد دولت تنها تقلیل قدرت مالکان غایب از ده از مناطق روستایی و بسط قدرت خود در مناطق روستایی ایران بود. آن دسته از مالکان که بر اثر اجرای قوانین ارضی، زمین خود را از دست دادند، در قبال آن غرامت پولی از دولت دریافت داشتند. پاره ای تغییر شغل داده و به تجارت پرداختند. علاوه بر این، دولت آنان را تشویق کرد که سهام کارخانه های دولتی را به عنوان غرامت دریافت دارند. از این رو تعدادی از آنان به صورت سرمایه داران شهری درآمدند بنا بر یک آمار حدود ۲۰ درصد از غرامت پرداختی به مالکان بر اثر قوانین اصلاحات ارضی، سهام کارخانه های دولتی بود. این گروه به صورت سرمایه داران ارضی، کارمندان دولت، تجار و یا سهامداران کارخانه های دولتی موقعیت خودشان را در هیئت حاکم تحکیم بخشیدند.

دهقانان: گرچه اصلاحات ارضی تأثیر ضعیفی بر روی دهقانان ایران داشت (از نقطه نظر زمین واگذار شده) اما فاصله اقتصادی، اجتماعی دهقانان را نسبت به قبل از اصلاحات ارضی فزون تر کرد با این وجود یکی از نتایج مهم که بر اثر اصلاحات ارضی به وجود آمد بسط و گسترش تعداد زارعان بود. با این وجود با در نظر گرفتن اندازه زمین دهقانان، وضعیت دامداری، باغداری، مالکیت ابزار و وسایل تولید و روابط آنان با بازار فروش حداقل سه گروه از دهقانان در ایران قابل تشخیص بودند:

دهقانان خرده پا: اعضای این گروه زمین کوچکی را که معمولاً تا ۲ هکتار است در اختیار داشتند مجموعاً ۴۳ درصد کل بهره برداری ایران را تشکیل می دادند. جمعیت این گروه از

دهقانان حدود ۱ میلیون خانوار وسعت اراضی مزروعی آنان نیز حدود ۷۰۰ هزار هکتار (۴/۵ درصد کل مساحت اراضی مزروعی کشور) بود. حداقل یک یا دو نفر از اعضای خانوار که در اکثر موارد رئیس خانوار را نیز شامل می‌شد در خارج از ده به منظور ایجاد موازنه پرداخت‌های خود به کار غیر زراعی مشغول بود. مطالعه تأثیر برنامه‌های توسعه روستایی از جمله شرکت‌های سهامی زراعی و کشت و صنعت‌ها بر وضع اقتصادی و اجتماعی دهقانان فقیر و قشر پایین دهقانان متوسط یعنی کسانی که ۳ تا ۵ هکتار زمین در اختیار دارند نشان می‌داد که این دودسته به گروه کارگران کشاورزی افزوده شدند. به‌طور کلی دهقانان فقیر به مشاغل کشاورزی و غیر کشاورزی کم‌اهمیت جذب شدند و زندگی آنان بیشتر به کارهای فصلی موجود و یا مهاجرت به شهرها و کار در امور ساختمانی بستگی داشت. قشر دهقانان فقیر نه تنها توسط دهقانان مرفه و سرمایه‌داران ارضی استثمار می‌شدند بلکه سوداگران ده نیز آنان را مورد بهره‌کشی قرار می‌دادند. مطالعات نشان می‌دهند که میزان بدهی دهقانان فقیر به‌رغم برنامه‌های به‌اصطلاح توسعه روستایی که بین سال‌های ۱۳۴۷ و ۱۳۵۷ به مرحله اجرا درآمد به بیش از ۳ برابر افزایش یافته بود (عبداللهیان، ۱۳۹۲: ۲۱۲).

دهقانان متوسط: بنا به تعریف گرنفین^۳ به دهقانان متوسط از سه ویژگی برخوردار بودند: اولاً این گروه بیشتر درآمد خود را و نه تمام آن را از فعالیت کشاورزی به دست می‌آوردند. ثانیاً تولیدات زراعی آنان افزون بر نیازمندی‌های خانواده بوده، از این رو محصول مازاد برای فروش در بازار داشتند، ثالثاً کار اعضای خانوار برای فعالیت‌های زراعی کافی نبوده، به‌ناچار مجبور به استخدام کارگر روزمزد دائم بودند.

دهقانان ثروتمند: این گروه از دهقانان دارای ۱۰ تا ۵۰ هکتار زمین بوده و از لحاظ وسایل و تجهیزات زراعی از دو گروه قبل خیلی پیشرفته‌تر بودند. دهقانان مرفه در نظام ارباب‌رعیتی به لحاظ برخورداری از موقعیت اقتصادی نسبتاً خوب در زندگی سیاسی نقش تعیین‌کننده‌ای داشتند. و به دلیل نفوذشان، در جریان اصلاحات ارضی زمین بیشتری به دست آوردند. برنامه اصلاحات ارضی سبب تحکیم موقعیت اقتصادی و اجتماعی دهقانان مرفه و مالکان گردید. این گروه از دهقانان با کمک مأموران دولتی توانستند تمام پست‌های سیاسی و اجتماعی در سطح ده را به انحصار خود درآورده و از طریق نفوذ در دستگاه‌های اداری، بیشترین منافع اقتصادی را خود اختصاص دهند.

خوش‌نشینان: بر اساس سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۵۵ جمعیت روستایی کشور حدود ۳/۵ میلیون خانوار بود که از این تعداد حدود ۱ میلیون خانوار، خوش‌نشینان را تشکیل می‌دادند. در اوایل دهه ۱۳۴۰ و قبل از شروع برنامه‌های توسعه روستایی به‌ویژه اصلاحات ارضی، خوش‌نشینان و به‌ویژه کارگران زراعی از لحاظ اقتصادی چندان تفاوتی با دهقانان صاحب‌نسق نداشتند. اما بعد از اصلاحات ارضی آنان خود را از لحاظ قانونی محروم، از لحاظ اجتماعی بی‌اهمیت و از لحاظ اقتصادی فقیرتر از سایرین دریافتند. طبق قوانین اصلاحات ارضی زمین فقط به زارعینی واگذار می‌شد که دارای حق نسق زراعی بودند، بدین ترتیب بخش مهمی از جمعیت روستایی ایران که موسوم به خوش‌نشین هستند از دریافت زمین محروم شدند. گرچه همه روستانشینان بی‌زمین خوش‌نشین خوانده می‌شدند، اما همه خوش‌نشینان از لحاظ موقعیت اجتماعی و اقتصادی در یک سطح نبودند. سه گروه از آنان واسطه‌ها (کسبه و تجار)، کارگران غیر کشاورز (پیشه‌وران و کارکنان خدماتی)، و کارگران کشاورزی عموماً موقعیت هیچ‌یک از سه گروه در جامعه (روستایی پس از اصلاحات ارضی) تغییر نکرد (اشرف و همکاران، ۱۳۸۸: ۶۶). اما پیامدهای اصلاحات ارضی نقش مهمی را که گروه اول به‌طور سنتی در اقتصاد روستا داشت تقویت کرد و فقر دو گروه دیگر را افزایش داد. وضعیت کارگران زراعی که از فقیرترین قشرهای روستایی به‌شمار می‌روند، پس از اصلاحات ارضی نه‌تنها بهبود پیدا نکرد بلکه از گذشته نیز بدتر گردید. کندی رشد کشاورزی، گسترش باغات، توسعه مکانیزاسیون در اراضی مالکان غایب از ده، همه در کاهش فرصت‌های کار و تقلیل میزان دستمزد کشاورزی تأثیر داشت. در نتیجه اختلاف سطح زندگی میان کارگران زراعی و زارعان بیش‌ازپیش گردید.

سوداگران ده: یکی از اثرات اصلاحات ارضی رشد سریع سوداگران ده است. قبل از اصلاحات ارضی اقتصاد روستایی بیشتر جنبه خودکفایی داشت، روابط پولی نقش عمده‌ای در زندگی روزمره زارعان ایفاء نمی‌کرد و گرفتاری مالی زارعان غالباً توسط ارباب رفع می‌گردید. این الگوی اعتباری بعد از اصلاحات ارضی تا حدود زیادی تغییر پیدا کرد زیرا اولاً با خلعید از مالکان در امور روستاها، خلأ مالی برای زارع به وجود آمد، به‌ویژه این امر برای زارعانی که نظام رعیتی سابق برای او هیچ‌گونه پس‌انداز و یا سرمایه‌ای باقی نگذاشته بود صدق می‌کرد، ثانیاً تعاونی‌های روستایی نتوانستند در ده جایگزین ارباب

ازلحاظ مالی و مدیریت بشوند، ثالثاً اکثریت قابل توجهی از زارعان، زمین ناچیزی دریافت داشتند و نتوانستند زراعت سودآوری به وجود آورند. رابعاً زارعان نیاز مبرم به پول نقد برای پرداخت اقساط خود داشتند، تمام این عوامل به وابستگی هر چه بیشتر زارع به اخذ وام به منظور برآوردن نیازهای اولیه مصرفی و هزینه‌های کشاورزی کمک می‌کرد و این امر به توسعه سوداگری در دهات ایران منجر شد. سوداگری در دهه ۱۳۵۰ نقش مهمی در اقتصاد روستایی پیدا کرد. این گروه از پیله‌وران، مغازه‌داران پول قرض بده‌های محلی، تجار و سایر عمده‌فروشان تشکیل می‌شد، این واسطه‌ها با بکار بستن سیاست‌های پولی مختلف که در روستاهای ایران اعمال می‌کردند سود فراوان به دست می‌آوردند. سوداگران خوش‌نشین قبل از هر چیز از این لحاظ از اصلاحات ارضی سود می‌برند که اکثریت قریب به اتفاق کشاورزان زمین کافی برای کشاورزی سودآور دریافت نکرده بودند و بنابراین، خواه برای تأمین نیازهای مصرفی خود و خواه برای تأمین هزینه‌های کشاورزی، همچنین به خرید نسبه از واسطه‌ها متکی بودند. گرچه واسطه‌های خوش‌نشین بدون شک وضع خود را در پی اصلاحات ارضی بهبود بخشیدند اما پس از سال ۱۳۴۱ نفوذ آنان در اقتصاد روستایی در اثر فعالیت‌های حکومت که انحصار قبلی آن‌ها را روی سرمایه وام از میان برد، کاهش یافت (لمبتون، ۱۳۹۵: ۱۰۰).

۲ - ظهور خرده‌بورژوازی حکومتی در کشاورزی

دولت ایران بعد از اصلاحات ارضی سعی در بیان این موضوع می‌کرد که با الغاء رژیم ارباب‌ورعیتی و روابط فئودالی، استثمارگران زارعان به‌طور موفقیت‌آمیزی از بین خواهند رفت. از دیدگاه خود دهقانان، ارباب‌ها در روستاها هنوز وجود داشتند. اما این بار از طریق زمین‌های بزرگ متعلق به دولت یا مؤسسات سرمایه‌داری، بدون شک، بزرگ‌ترین تحول از بین رفتن مالکیت فئودالی بر زمین‌ها و در همان زمان جانشین شدن سرمایه‌داری در قسمتی از زمین‌های اربابی سابق بود. درحالی‌که قدرت اربابان در روستاها به‌وسیله دخالت دولت شکسته شد این مالکان در پوستینی دیگر به شکل طبقه حاکم جدید در روستاها مستقر شدند. در نتیجه اصلاحات ارضی و سایر فعالیت‌های جنبی آن یک طبقه نسبتاً راضی با وضعیتی بهتر ظاهر گردید. قدرت و منابع این طبقه مالک جدید آن‌ها را قادر ساخت که

بر اقتصاد روستا کنترل داشته باشد. در زمینه فعالیت کشاورزی، سرمایه‌داری که به وجود آمد شامل دهقانان غنی سابق، بعضی از خانواده‌های مالکان سابق، تجار و بوروکرات‌های شهری، سرمایه‌گذاری خارجی و دولت بودند. وضعیت بعد از اصلاحات ارضی به بخش ممتاز جامعه روستایی اجازه داد که سرمایه‌ای را انباشت کرده و زمین‌داریشان را گسترش دهند. حکومت با تصاحب بسیاری از املاک زمین‌داران به یک حکومت مالک و زمین‌دار تبدیل شد. تملک حکومت بر زمین‌ها به شیوه‌های مختلف صورت گرفت؛ برای مثال املاک مالکین و اشخاصی که در اجرای قانون اصلاحات ارضی مصوب ۱۳۴۰/۱۰/۱۹ به دلیل بی‌آبی مفرط و سایر دلایل خشک و بی‌حاصل تشخیص داده شده بود مشمول تقسیم نگردید و می‌بایست ظرف ۵ سال برای آبادانی آن اقدام و از سازمان‌های ذی‌ربط گواهی عمران دریافت می‌کرد، در غیر این صورت ملک از ید آن‌ها خارج و در اختیار دولت قرار می‌گرفت (شهریاری، ۱۳۸۴: ۱۷۷).

۳- تحلیل تدریجی سازمان اجتماعی بنه در روستاها

کاهش اهمیت بنه یکی از نتایج مستقیم، هرچند ناخواسته اصلاحات ارضی بود. بنه‌ها، در بیشتر روستاهای اربابی، به‌عنوان واحد اصلی اقتصادی دارای عملکرد مشخصی بود. همه کارهای تولید کشاورزی از طریق بنه عملی می‌شد. ساخت ابزارآلات کشاورزی، شخم، بذرپاشی، وجین کردن و آبیاری مزارع، برداشت محصول، و تقسیم محصول میان اعضای بنه و روستاییانی که یا طبق قرار مشخصی برای بنه کار کرده بودند یا خدمات خود را به اعضای بنه فروخته بودند. بنابراین، کار بنه نه تنها سازماندهی تولید بلکه توزیع درآمد نیز بود. پس از مالکان غیر کشاورز، کسانی که بیش از همه از وجود بنه نفع می‌بردند کشاورزان سهم بر بودند، عضویت در بنه‌ها عملاً به معنی کسب حق ریشه یا حق نسق بود. از حدود سال ۱۳۵۱، بنه‌ها دیگر آن تشکیلات اجتماعی اقتصادی قبل از اجرای اصلاحات ارضی نبودند (تمیزی فر و همکاران، ۱۳۹۷: ۵).

۴- رشد سریع روند مهاجرت روستاییان به شهرها

در نیمه‌های دهه ۴۰ شمسی، روستاییان به دلیل تحولات ناشی از اصلاحات ارضی بیکار

شده بودند و عمدتاً به سوی حاشیه شهرها به ویژه شهر تهران رانده می شدند، برخی از این مهاجران به کارگران غیر ماهر شهری مبدل شدند، عده‌ای به مشاغل غیر مولد روی آوردند و برخی دیگر روانه کوره‌پز خانه‌ها گردیدند و در حقیقت استثمار مضاعف می شدند. در سال ۱۳۴۴ حدود ۶۴ درصد از کارگران مهاجر در تهران کارگران ساده بودند، ۱۲ درصد از این گروه کارگران نیمه ماهر و ۱۴ درصد کارگران ماهر به شمار می رفتند. طبق گزارش‌های مستندی که به سال ۱۳۵۱ در مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی انجام شده است، ۹۱ درصد از نگهبانان شهر تهران که در مکان‌های عمومی، خانه‌های اعیان و اداره‌های دولتی کار می کردند، از مهاجرین روستایی بودند، ۹ درصد بقیه نگهبانان از شهرهای کوچک به تهران مهاجرت کرده بودند. به طور کلی ۷۲ درصد این گروه آماری، بیشتر کشاورز و خرده‌مالک بودند. برخی از جماعت‌های مهاجر به شهر تهران که نمی توانستند با موازین و معیارهای فرهنگی شهر تهران منطبق شوند، ناچار به حاشیه‌نشینی و ادار می شدند. از نظر اجتماعی این گروه‌ها نمی توانستند تعلق خاصی به یک طبقه معین داشته باشند، از نظر سیاسی حاشیه‌نشین‌ها نظم موجود را مورد تهدید قرار می دادند و از نظر اقتصادی درآمدی مشخص نداشتند. بالاتر اینکه از نظر فرهنگی اقشار حاشیه‌ای اجتماع در شهر تهران نمی توانستند خود را با موازین زندگی شهرنشینی و الگوهای آن وفق دهند؛ کلیه این عوامل منجر به بحران‌های هنجاری بین مهاجرین روستایی و بیش از همه حاشیه‌نشینان می شد. بخش عمده‌ای از اقشار حاشیه‌ای در کپر‌ها، زاغه‌ها، حلبی‌آبادها و کودها زندگی می کردند، شغل اصلی آن‌ها تکدی‌گری، دوره‌گردی و دست‌فروشی و کارگری در کوزه‌های آجرپزی در حوالی جوادیه و یافت‌آباد و البته کارگری در شرکت‌های ساختمانی بود (Moghadam, 1972:164).

۵- روند از هم گسستگی کشاورزی

در پی اصلاحات ارضی رابطه دیرینه روستا - شهر در تبادل تولید و خدمات برهم خورد و تولید کشاورزی به حال خود رها گردید، در ماده ۲۴ قانون اصلاحات ارضی به تاریخ ۴ خرداد ۱۳۳۹ آمده است: «اگر کشاورزی توانایی کار کشاورزی را از دست بدهد می تواند زمین خود را به کشاورز دیگری با رعایت مفاد این ماده بفروشد و مراتب را به اداره کشاورزی استان اطلاع دهد.» پس از اصلاحات ارضی بزرگ مالکان و سرمایه‌داران

با علم به اینکه زمین‌هایی را به دهقانان واگذار کرده‌اند که دیگر ارزش استراتژیکی ندارد، سرمایه‌های خود را راهی شهرکردند و مؤسسات مالی، خدماتی و صنعتی را بنا نهادند. بسیاری از کشاورزان نیز در پی سرنوشتی دیگر راهی شهر شده و در نقش کارگر ساختمانی، کارگر صنعتی، نگهبانی، سرایدار و دست‌فروش و دوره‌گرد به امرارمعاش پرداختند. در این بین حفر و لای روبی قنات‌ها و آبراهه‌ها، حفاظت از زمین‌های کشاورزی و حفظ حریم آن‌ها و ممنوعیت ساخت‌وساز در زمین قابل زراعت، تأمین ابزار تولید و بذر، تشکیل بنه‌ها و تقسیم وظایف دهقانان و نیز مدیریت فروش محصول از مواردی بود که تحت نظارت ارباب و توسط مباشران به انجام می‌رسید و باعث حداکثر بهره‌مندی از آب و زمین و سایر امکانات می‌شد. حذف مدیریت تولید، به رها شدن زمین‌ها و ساخت‌وساز در آن‌ها، لای روبی نشدن و ویرانی قنات‌ها، برهم خوردن گروه‌های تولیدی (بنه) و بسیاری مسائل دیگر منجر شد. در چهارم بهمن ماه ۱۳۴۶ قانون تشکیل شرکت‌های سهامی زراعی به دولت اعلام شد و همچنین در ۲۹ اسفندماه ۱۳۴۹ قانون تعاونی نمودن تولید و یکپارچه شدن اراضی در حوزه عمل شرکت‌های تعاونی روستایی با اهدافی مشابه و با تأکید بر تعاونی نمودن تولید به دولت ابلاغ گردید که این قوانین هم نتوانست خلاً مدیریتی پیش‌آمده بر اصلاحات ارضی را پر نماید. معمولاً برای بررسی میزان تولید از شاخص‌های رشد سالانه تولید کشاورزی، بازده (سطح) در هکتار، اعتبارات بخش کشاورزی از بودجه کل کشور استفاده می‌شود (Majd, 1987: 62).

محمدعلی کاتوزیان در کتاب اقتصاد سیاسی ایران از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی می‌نویسد: «میانگین رشد سالانه تولید کشاورزی بین سال‌های ۵۷ - ۱۳۴۲ احتمالاً ۲/۵ درصد بوده است و این رقم حکایت از بازدهی کشاورزی در حد صفر می‌کند، در سال ۱۳۵۰ ارزش کل تولید کشاورزی بالغ بر ۱۷۲/۳ میلیارد ریال می‌شد در حالی که کل مصرف روستائیان ۱۷۹/۶ میلیارد ریال بود. یعنی کل مصرف روستائیان ۷/۳ میلیارد ریال بیشتر از کل تولید کشاورزی بود.» فرد هالیدی این رقم محمدعلی کاتوزیان را مورد میزان تولید در کتاب دیکتاتور و توسعه سرمایه‌داری در ایران مورد تأیید قرار می‌دهد و می‌نویسد: «اصلاحات ارضی نتوانسته است محصولات کشاورزی را افزایش دهد و اکنون درآمد نفت برای وارد کردن مواد غذایی استفاده می‌شود، از اوایل دهه ۱۹۶۰ تولید کشاورزی حداکثر ۲/۵ درصد در سال رشد داشته است و حتی در بعضی از سال‌ها فقط ۱ درصد رشد حاصل شده است، واردات مواد غذایی

به نحوی پس از اصلاحات ارضی افزایش یافته است که دولت برای جلوگیری از نارضایتی در سال ۷۵ - ۱۹۷۴ یک برنامه کمک به تولید مواد غذایی اجرا کرد که ۳ میلیارد دلار خرج برداشت و ممکن است که تا اوایل دهه ۱۹۸۰ به ۴ میلیارد دلار برسد. از سوی دیگر سهم کشاورزی در اولین برنامه توسعه اقتصادی بالغ بر ۲۸ درصد کل بودجه را تشکیل می‌داد در برنامه هفت‌ساله دوم به حدود ۳۰ درصد کل بودجه عمرانی رسید و در برنامه سوم عمرانی که هم‌زمان با اجرای اصلاحات ارضی صورت گرفت، توجه کمتری به بخش کشاورزی در مقایسه با سایر بخش‌ها از لحاظ میزان بودجه عمرانی شد، در برنامه چهارم، بخش کشاورزی فقط ۸ درصد کل بودجه عمرانی را به خود اختصاص داد. در حالی که در همین دوره صنعت ۲۲ درصد کل بودجه را دریافت کرده است، در برنامه پنجم سهم بخش کشاورزی از بودجه کل عمرانی ۷/۵ درصد نسبت به دوره قبل کاهش یافت. به‌طور کلی در سه برنامه سوم، چهارم و پنجم در حالی که به سهم بخش خدمات، صنعت و نفت افزوده می‌شد به همان میزان از اعتبارات بخش کشاورزی کاسته می‌شود. بنابراین با توجه به رشد جمعیت کشور و کاهش محصولات کشاورزی در سال ۱۳۵۶ دولت مقادیری گندم و جو وارد نمود. مصطفی ازکیا در کتاب جامعه‌شناسی توسعه و توسعه‌نیافتگی می‌نویسد: «دولت ناچار در سال ۱۳۵۶ میزان ۱۲۷۸ هزار تن گندم و ۳۳۴ هزار تن جو و ۴۶۷ هزار تن ذرت و ۵۸۹ هزار تن برنج وارد نمود.» (ازکیا، ۱۳۹۳: ۲۴۵)

۶ - توسعه بوروکراسی و تمرکزگرایی در روستاها

بسط و گسترش کنترل دولت بر روستاها از طریق موارد زیر حاصل گردید:

- الف - تقویت دستگاه بوروکراسی که مباشرت امور ده را بر عهده داشت.
- ب - ایجاد مؤسسات جدید و بکار گرفتن مأمورین جدید دولتی به‌منظور برنامه توسعه روستایی.

اولین ابزار مداخله دولت در امور روستاها، استفاده از پست قدیمی کدخدا و ژاندارمری بود. کدخدا در گذشته از حامیان مالک در ده به شمار می‌رفت. اما بعد از اصلاحات ارضی کدخدا به‌عنوان عامل و کارگزار دولت به حساب آمد. کدخدا از نظر دولت مسئول تمام اتفاقاتی بود که در ده رخ می‌داد و تهدیدی برای امنیت محلی محسوب می‌گردید، بود.

کدخدا وظیفه داشت که بر رفتار افراد و مؤسسات ده نظارت کند و هرگونه رفتار سیاسی غیرمعمول را گزارش نماید. دهیاران پس از کدخدا در سطح دهستان فعال شدند و وظیفه داشتند با کمک رهبران محلی به تمشیت امور ده بپردازند. دهیاران از طرف وزارت کشور منصوب می‌شدند. دهیاران بر فعالیت‌های کدخدا، انتخابات انجمن ده و دادگاه‌های انصاف نظارت داشتند، دهیاران در واقع به‌عنوان روابط بین کدخدا و دستگاه بوروکراسیک دولتی در سطح بخش به‌حساب می‌آمدند. ژاندارمری ابزار دیگر دولت بود که غالباً در خدمت گروه‌های ذی‌نفوذ بود. سپاه‌های دانش، بهداشت و ترویج در سطح روستاها مستقر گردیدند، از آنجا که سپاهیان دانش عموماً شهری و از طبقات متوسط بودند آشنایی لازم در امور ده را نداشتند. روستائیان به آنان بدگمان بوده و اعتماد چندانی به آن‌ها نداشتند. تشکیل شرکت‌های سهامی زراعی و واگذاری زمین‌های زارعین و عضویت اجباری آن‌ها در شرکت‌های تعاونی و ایجاد شرکت‌های کشت و صنعت همگی بر نوعی تمرکزگرائی در منابع و اجرای برنامه دستوری متمرکز حکایت دارند. کاهش اعتبارات بخش کشاورزی از برنامه دوم عمرانی تا پنجم و افزایش اعتبارات سهم بخش صنعت، خدمات و صنعت نفت به صورتی که در برنامه تجدیدنظر شده پنجم سهم بخش کشاورزی ۶/۶ درصد در مقابل ۱۸ درصد سهم بخش صنعت از تمرکز زایی و حضور دولت در روستاها و سیاست‌گذاری متمرکز در کشاورزی ایران بود (دیندارلو، ۱۳۹۰: ۸۱).

۷- افزایش نابرابری اجتماعی در میان دهقانان

تولیدکنندگان خرده کالایی شامل دهقان مستقل، دهقان مستأجر، صنعتگران روستا، و معامله‌گران روستاست. آن‌ها اقتصاد روستا را قبضه کرده، در حالی که خود تحت سلطه اقتصاد سرمایه‌داری بودند. تولیدکنندگان خرده کالایی هسته ساخت طبقاتی روستاهای ایران بودند که در آن دهقان مستقل تشکیل شایع‌ترین واحد تولیدی روستایی را می‌داد (۵۱ درصد جمعیت روستایی). این طبقه تشکیل یک طبقه دهقانی همگون را نمی‌داد. این ناهمگونی ناشی از ماهیت اصلاحات ارضی بود. قشر میانی دهقان مستقل اکثر درآمدش را از فعالیت‌های کشاورزی به دست می‌آورد. محصول مزارعشان از نیاز معیشتی آن‌ها بیشتر و لذا دارای مازادی برای بازار می‌بود، اما این مازاد ایجاد انباشت سرمایه نمی‌کرد.

با وجود خط‌مشی‌های دولتی مبنی بر عدم توجه به وضعیت دهقانان متوسط و فقیر، قشر میانی دهقانان نقش بسیار مهمی در کشاورزی ایران بازی می‌کرد. آن‌ها کنترل‌کننده وسایل تولید خود بوده و در وضعیت تولیدکننده مستقل باقی خواهند ماند. در نمونه روستاهای با شرکت سهامی زراعی، قشر میانی دهقان مستقل تمایل به اقامت در روستاها داشته و برای شرکت‌ها کار می‌کردند، تعداد درصد بالائی از آن‌ها در شرکت‌های سهامی زراعی مشغول کار می‌شدند. قشر پائینی دهقان مستقل (بعضی مواقع آن‌ها را دهقان فقیر می‌خوانند) دارای زمین کافی نبوده تا حداقل احتیاجات خانوارش را برآورد کند یا بتواند کار خانوارش را در طول سال روی زمین خود پیاده کند (بهداد و همکار، ۱۳۹۷: ۱۹۳). مزرعه‌های این قشر تأمین احتیاجات لازم برای بازتولید خانوارهای این قشر را نمی‌کند. از طرف دیگر سطح دستمزدها به آن‌ها اجازه نمی‌دهد که به‌طور کامل یک کارگر مزدبگیر بشوند، نتیجتاً خانوار قشر پائینی دهقان می‌بایستی هم بر مزرعه و هم بر کارگری تکیه کند. این نوع وابستگی به آن‌ها پایگاه نیمه کارگری می‌دهد. این دهقانان معیشتی تشکیل قشون کارگران ارزان برای دهقانان غنی و دهقانان سرمایه‌دار را می‌دهند.

۸- توزیع ناعادلانه زمین

نتایج آمارگیری کشاورزی در سال ۱۳۵۳ نشان می‌دهد که تعداد بهره‌برداران از حدود ۱,۸۷ میلیون خانوار در ۱۳۳۹ به حدود ۲,۴ میلیون خانوار در سال ۱۳۵۳ رسیده و وسعت مزروعی کشور از حدود ۱۱,۳ میلیون هکتار به حدود ۱۶,۴ میلیون هکتار افزایش یافته است، در وسعت اراضی دهقانان کم زمین (کمتر از ۵ هکتار) افزایشی صورت نگرفته و درصد مساحت اراضی مزروعی آن‌ها از ۱۹ درصد به ۱۵ درصد کاهش یافته است. به عبارت بهتر، این دهقانان در نتیجه اصلاحات تنها مالک زمین‌هایی شده‌اند که پیش از اصلاحات ارضی بر روی آن کار می‌کردند. افزایش عمده مساحت اراضی مزروعی کشور، به بزرگ مالکان مربوط می‌شود. وسعت اراضی این مالکان (۵۰ هکتار به بالا) از ۱۳,۵ درصد به ۲۱,۵ درصد افزایش یافته است. تقریباً نیمی از خانوارهای روستایی، یعنی خوش‌نشین‌ها به‌این‌علت که با ملاکین قراردادهای زراعتی و تقسیم محصول نداشتند، از دریافت زمین محروم شدند. نیمی دیگر از خانوارهایی که صاحب زمین شدند، بیش از ۸۰ درصد آن‌ها سهمی کمتر از

۱۰ هکتار یافتند که غالباً بهره‌وری آن‌ها پایین بود. حدود نیمی از زمین‌ها و معمولاً بهترین و حاصلخیزترین آن‌ها اساساً مشمول تقسیم نشدند و در اختیار مالکینی که بیشتر آن‌ها مقیم روستا نبودند باقی ماندند (صمصامی مزرعه آخوند، ۱۳۹۰: ۶۹).

۹- گسترش نظام بهره‌برداری مبتنی بر سرمایه‌داری ارضی

در نتیجه اصلاحات ارضی و قوانین جانبی آن، مؤسسات سرمایه‌داری کشاورزی مختلف به وجود آمدند. واحد سرمایه‌داری دهقانی یک پدیده جدید است که در اثر انباشت درآمد دهقانان غنی در کشاورزی ایران پدید آمده است. اصلاحات ارضی به حال بسیاری از مالکان غائب مفید بوده است و به آن‌ها کمک نمود تا مزارع سرمایه‌داری تأسیس کنند. گسترش روابط سرمایه‌داری در بخش کشاورزی ایران از طریق تأسیس شرکت‌های چندملیتی کشت و صنعت بود. توسعه فعالیت‌های شرکت‌های کشت و صنعت در ایران ناشی از بین‌المللی شدن سرمایه در زمینه کشاورزی و تمایلات دولت بود. نوع دیگر گسترش روابط سرمایه‌داری در بخش کشاورزی ایران از طریق تأسیس شرکت‌های چندملیتی کشت و صنعت بود. توسعه فعالیت‌های شرکت‌های کشت و صنعت در ایران ناشی از بین‌المللی شدن سرمایه در زمینه کشاورزی و تمایلات دولت بود خط‌مشی به این شکل بود که دولت سرمایه‌گذاری سنگین در زمینه زیربنایی بنماید تا جو را برای سرمایه‌گذاری خصوصی در بخش کشاورزی مهیا سازد. در نتیجه، شرکت‌های خصوصی از ایالات متحده آمریکا و انگلستان در بخش کشاورزی ایران سرمایه‌گذاری نمودند تا کشاورزی مکانیزه در سطح کلان راه بیندازند (شاهوردی، ۱۳۷۳: ۱۸۹). اگرچه کشت و صنعت‌ها در ایران آن‌چنانی که انتظار می‌رفت موفق نبودند، اما آن‌ها ساخت اقتصادی - اجتماعی کشاورزی ایران را برهم زده و کشاورزی مکانیزه سرمایه‌داری بیمارگونه‌ای را جانشینی آن کردند.

۱۰- افزایش بیکاری

با انجام اصلاحات ارضی، برنامه‌های عمرانی دولت در جهت انتقال نیروی روستایی به شهر، به‌عنوان نیروی تازه‌نفس برای کار با ایجاد فرصت‌های متنوع شغلی همراه بود و بودجه برنامه‌های عمرانی که اهرم اصلی دولت در سرمایه‌گذاری و توسعه اقتصادی بود

صرف بهبود زیرساخت‌های شهری و بین‌شهری می‌گشت. پس از اصلاحات ارضی و بهبود نسبی زیرساخت‌ها، شکاف عمیق درآمد شهرنشینان و روستاییان و گسترش فقر و افزایش نیروی روستایی در شهرها و افزایش سرمایه‌گذاری‌های صنعتی پدیدار گشت. به دنبال برنامه عمرانی سوم و با هزینه بالغ بر ۶۳ میلیارد ریال، به دلیل وجود تعداد بالای بیکاران و ادامه روند مهاجرت روستاییان به شهرها، مشکل بیکاری حل نگشت و نسبت شاغلین بخش کشاورزی مرتباً کاهش یافت و از ۶۵ درصد در سال ۱۳۵۵ به ۳۳ درصد در سال ۱۳۵۵ رسید. سیاست‌های مربوط به ایجاد شرکت‌های کشت و صنعت و شرکت‌های سهامی زراعی، مکانیزه کردن و گسترش باغات میوه در جریان مرحله اول و دوم اصلاحات ارضی تماماً برای کاهش جمعیت روستایی صورت می‌گرفت و شرکت‌های سهامی زراعی و کشت و صنعت باینکه حدود ۱۵ درصد از کل زمین‌های زراعی را در اختیار داشتند، فقط از ۳ درصد نیروی کار کشاورزی استفاده می‌کردند درحالی‌که نسبت بیکاری در روستاهای ایران بالغ بر ۴۰ درصد بود (آذرنگ، ۱۳۸۶: ۲۴۵).

نتیجه‌گیری

عوامل متعددی از جمله ثبات و توسعه اقتصادی - اجتماعی حکومت پهلوی، تحکیم مشروعیت حکومت پادشاهی و پیشبرد اهداف و سیاست‌گذاری‌های آمریکا در راستای مسدود کردن نفوذ تفکرات و آموزه‌های کمونیستی در اقمار تحت نفوذش سبب اجرای اصلاحات ارضی در دهه ۴۰ و در زمان نخست‌وزیری امینی در ایران گردید، ذکر دلایل و علل عدم موفقیت اصلاحات ارضی در چارچوب نظریه ساختار - کارگزار می‌تواند درک روشن و واقع‌بینانه‌تری از این مسئله در اختیار ما قرار دهد. بر اساس این چارچوب نبود بستر و یا به‌عبارت‌دیگر ساختار سیاسی و اجتماعی مناسب برای اجرای این برنامه و نیز عدم همکاری مناسب کارگزاران دخیل در آن و در نتیجه برون داد و پیامد حاصل از رابطه متقابل دو سطح مذکور، باعث ناکام ماندن طرح مزبور شد. در زمان شروع اصلاحات ارضی به علت دموکراتیک نبودن سیستم آموزش و پرورش و متعاقب آن عدم آموزش لازم دهقانان و وجود سیاست‌های غیر دموکراتیک، بسترهای فرهنگی و اجتماعی مناسبی برای موفقیت این برنامه در ایران فراهم نبود. به‌علاوه در مراحل مختلف اصلاحات شاهد کارشکنی‌های

مالکان و عدم اجرای مناسب برنامه‌ها توسط کارمندان و همراهی نکردن کشاورزان نیز بودیم. مالکان با واگذار کردن صوری املاک به فرزندان و همسرانشان و مکانیزه جلوه دادن املاکشان با به کار گرفتن تراکتور، از تقسیم شدن ممانعت به عمل آوردند و با رباخواری و رشوه دادن به کارمندان از کاهش بهای املاک خود جلوگیری نمودند و قیمت موردنظر خود را به کشاورزان تحمیل کردند. در این مسیر شرکت‌های زراعی نیز، به‌رغم ضعف اجرایی و مدیریتی، به علت عدم مشارکت کشاورزان دچار مشکل شدند و راه برای سوءاستفاده مدیران محلی و دولتی در این شرکت‌ها باز شد. دولت نیز بدون اینکه شرایط و بسترهای اجتماعی و اقتصادی مناسبی را برای چنین طرحی در کشور آماده کند، عمدتاً دنباله‌روی سیاست‌هایی بود که آمریکا برایش طرح کرده بود. دولت در دوره پهلوی با زیرساخت‌هایی چون اقتصاد و نهادهای سیاسی رابطه تنگاتنگی داشت، زیرا نظام سیاسی این دوره به اتکای سلطه مطلقه خود (یعنی سلطه شاهنشاه) عالی‌ترین قدرت را در جامعه اعمال می‌کرد و تصمیماتش برای همه خرده نظام‌ها الزامی می‌نمود. از این روی بود که سازمان‌ها و مراکز و مراتب قانونی و اداری که برای اجرای آن طرح به وجود آمدند، نتوانستند با موفقیت سیر طبیعی را طی نمایند. چنان‌که برنامه سوم عمران اصلاحات ارضی دوره پهلوی خود پیش‌بینی کرده بود، تفاوت چشم‌گیر در سرعت رشد اقتصادی و تولید ثروت میلیون‌ها نفر از روستائیان باعث مهاجرت آنان به سمت شهرها گردید. طی دوره ۱۳۳۵ تا ۱۳۴۵، شمار جمعیت شاغل کشور ۹۵۰ هزار نفر بود که افزایش ۱۶ درصدی در مدت ۱۰ سال را نشان می‌داد و در این مدت شمار بیکاران ۴/۶ برابر شد و نرخ بیکاری از ۲/۶ به ۹/۶ درصد رسید و باعث پدیده بیکاری به شکل نوین آن گردید. بخش اصلی این بیکاران جدید به تعداد ۷۲۶ هزار نفر تا سال ۱۳۴۵ را روستائیان تشکیل می‌دادند که به شهرها مهاجرت می‌کردند. ظرف سال‌های ۱۳۴۱ تا ۱۳۴۶ حدود ۱/۸ میلیون نفر به جمعیت مناطق روستایی کشور افزوده گردید؛ حال آنکه شمار متولدان روستا در همین مدت بیش از ۳/۷ میلیون نفر بود. متقابلاً و در مناطق شهری به ازای ۱/۷ میلیون تولد، بیش از ۲/۳ میلیون نفر به جمعیت اضافه شد و رشد جمعیت حاشیه‌نشین در کرج ۱۱/۸ درصد و نظرآباد ۱۳/۵ درصد رسید که توأم با افزایش بحران‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در این مناطق بود. مهاجرت‌ها از نظر جهت جریان و شکل مهاجرتی، بیشتر از نوع مهاجرت مستقیم بین گروه سنی ۲۹-۱۵ ساله و به خاطر برنامه‌های

عمرانی اصلاحات ارضی، شرکت‌های سهامی زراعی و شرکت‌های کشت و صنعتی بود. تعداد روستاهای خیلی بزرگ نیز در اثر مهاجرت کم‌تر شد که پیامد آن، کاهش احتمال انتخاب روستاهای مذکور به‌عنوان مرکز حوزه عمرانی و محرومیت از خدمات عمومی در روستاهای متوسط می‌بود. اصلاحات ارضی در ایران صف‌بندی نظام‌های تولیدی را بر هم زده و یک صف‌بندی جدید به وجود آورد. در این صف‌بندی جدید نظام تولید خرده‌کالایی جای نظام فئودالی را گرفته و زیر سلطه سرمایه‌داری به فعالیت پرداخت. کارکرد این نظام تولیدی جدید نفع‌رسانی به‌نظام سرمایه‌داری بود. روابط سرمایه‌داری نیز در اثر اصلاحات ارضی به شکل‌های گوناگون در کشاورزی ایران توسعه پیدا کرد. اصلاحات ارضی در ایران از سویی بخش کثیری از دهقانان را از ستم ارباب رها کرد و از سویی دیگر با حذف مدیریت تولید زراعی و کشاندن سرمایه‌ها از روستا به شهر، افول تولید کشاورزی و مهاجرت به شهرها را باعث گردید. در زمینه کشاورزی، ایران تا قبل از دهه ۱۳۴۰ به‌رغم حاکمیت شیوه ارباب‌رعیتی می‌توانست نیازهای غذایی کشور را تأمین نماید ولی از آن به بعد با اعمال سیاست‌های نادرست، بخش کشاورزی دچار نابسامانی گردید. در نتیجه کشور ما که روزگاری با وجود نظام حاکم بر ایران و نظام ارباب‌رعیتی و به‌کارگیری ابزارهای ابتدایی در کشاورزی، صادرکننده بعضی از محصولات استراتژیک کشاورزی بود در دهه ۴۰ و بعد از آن یکی از واردکنندگان جدی تولیدات کشاورزی گردید. در واقع دستاورد مهم اصلاحات در دهه ۱۳۴۰ از میان برداشتن روابط سنتی ارباب‌رعیتی و تبدیل رعایای سهم‌بر به دهقانان خرده‌مالک و حفظ و حمایت از بهره‌برداری‌های ماشینی بود. طبق قوانین اصلاحات ارضی زمین فقط به زارعینی واگذار شد که دارای حق نسق زراعی بودند. بدین ترتیب بخش مهمی از جمعیت روستایی ایران که موسوم به خوش‌نشین هستند از دریافت زمین محروم شدند. دهقانان و کشاورزان همانند سال‌های قبل از اصلاحات ارضی بی‌قدرت ماندند این اصلاحات با اینکه توانست به مناسبات ارباب‌رعیتی در روستاها پایان دهد و از نظر سیاسی قدرت را از دست اربابان بگیرد، اما نتوانست به حیات مالکین غایب به‌طور کامل در روستاها خاتمه دهد. بسیاری از مالکان به‌انحاء مختلف توانستند قدرت خود را حفظ کنند و آن دسته از مالکینی که زمین‌های خود را از دست دادند در ازای آن غرامت دریافت کردند که به آن‌ها اجازه می‌داد همچنان موقعیت خود را حفظ کنند یا اینکه با دریافت بهای اراضی خود

وارد بخش‌های دیگر شوند و از این طریق حداقل برای خود موقعیت ممتاز اقتصادی کسب کنند. البته نباید انکار کرد که عمده مالکان، قدرت سیاسی و اجرایی خود را تا حد زیادی از کف دادند؛ البته این قدرت به بخش‌های دهقانی منتقل نگردید. این دولت بود که قدرت این مالکان را در اختیار گرفت. دولت با تقویت دستگاه بوروکراتیک از طریق بهره‌برداری‌های جدید و نهاد و مؤسسات جدید روستایی توانست به این مهم نائل گردد.

پی‌نوشت

1. Meier
2. Anthony Giddens
3. Griffin

کتابنامه

الف: فارسی:

۱. آوری، پیترو (۱۳۹۲)، تاریخ ایران دوره پهلوی: از رضاشاه تا انقلاب اسلامی (از مجموعه تاریخ کمبریج)، ج ۳، مترجم: مرتضی ثاقب فر، تهران: جامی.
۲. ازکیا، مصطفی، (۱۳۹۶)، جامعه‌شناسی توسعه و توسعه‌نیافتگی در ایران، تهران: اطلاعات.
۳. امینی، علی، (۱۳۹۰)، خاطرات علی امینی، تهران: سوره مهر.
۴. اشرف، احمد، بنوعزیزی، علی، (۱۳۸۸) طبقات اجتماعی، دولت و انقلاب در ایران، ترجمه سهیلا ترابی فارسانی، تهران: نیلوفر.
۵. بهداد، سهراب، نعمانی، فرهاد، (۱۳۹۳)، طبقه و کار در ایران، تهران: آگاه.
۶. عبداللهیان، حمید، (۱۳۹۲)، مفهوم‌پردازی واقعیت در جامعه‌شناسی تاریخی: نظام ارباب غایب در ایران، ترجمه غلامرضا جمشیدی‌ها و علیرضا صادقی، تهران: جامعه‌شناسان.
۷. فورد لمتون، آن کاترین، (۱۳۹۵)، اصلاحات ارضی در ایران ۱۳۴۵-۱۳۴۰، ترجمه مهدی اسحاقیان، تهران: امیرکبیر.
۸. مارش، دیوید، استوکر، جری، (۱۳۷۸)، روش و نظریه در علوم سیاسی، ترجمه امیرمحمد حاج یوسفی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۹. آذرنگ، عبدالحسین، (۱۳۸۶)، «علی امینی و ریشه‌های شکست اصلاحات»، تهران: بخارا، شماره ۶۴.
۱۰. تمیزی فر، مهدی، رحیمی، مجید، راهدان، عباس، بیگی، حامد، (۱۳۹۷)، «بررسی اثرات اجتماعی و اقتصادی خرد شدن اراضی کشاورزی در ایران، بلغارستان، راندا و آمریکا»، سومین همایش ملی دانش و فناوری علوم کشاورزی، منابع طبیعی و محیط‌زیست ایران.
۱۱. شعبانی، محمد، محمدی منش، لیلا، محمدی منش، علی، (۱۳۹۵)، «بررسی ساختارگرایی و پسا ساختارگرایی در گذر نظریه و تطبیق»، سومین کنگره علمی پژوهشی سراسری توسعه و ترویج علوم تربیتی و روانشناسی، جامعه‌شناسی و علوم فرهنگی اجتماعی ایران.
۱۲. کارگر اسفند آبادی، خدیجه، یوسفی، علی، رحیمی، آرزو، (۱۳۹۶)، «قشریندی اجتماعی در روستاهای ایران قبل و بعد از اصلاحات ارضی (۱۳۴۱)»، دوماهنامه نخبگان علوم و مهندسی، دوره ۲، شماره ۱.
۱۳. وحیدی، مهدی، (۱۳۹۵)، «تبیین ساخت قدرت ساختار و کارگزار در عصر جهانی شدن»، ماهنامه پژوهش ملل، دوره ۲، شماره ۱۵.
۱۴. اصغری زرگرآبادی، هاجر، (۱۳۸۸)، اقتصاد سیاسی اصلاحات ارضی؛ مطالعه تطبیقی دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۶۰ در ایران، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی، استاد راهنما: دکتر فرشاد مؤمنی.

۱۵. دیندارلو، سعید، (۱۳۹۰)، تأثیر اصلاحات ارضی دهه ۱۳۴۰ بر تکوین مجدد دولت مطلقه در ایران، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، استاد راهنما: دکتر مصطفی ملکوتیان.
۱۶. شه‌ریاری، راحله، (۱۳۸۴)، اصلاحات ارضی در ایران (۱۳۵۰-۱۳۴۰ ه.ش)، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت‌معلم، استاد راهنما: دکتر سهراب یزدانی مقدم
۱۷. شاهوردی، شهرام، (۱۳۷۳)، اصلاحات ارضی و پیامدهای سیاسی - اجتماعی آن در ایران، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق (ع)، استاد راهنما: دکتر سید کاووس سید امامی
۱۸. صمصامی مزرعه‌آخوند، زهره، (۱۳۹۰)، بررسی پیامدهای اجتماعی - سیاسی اصلاحات ارضی، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، استاد راهنما: دکتر صادق زیباکلام.

ب: لاتین

19. Alatas, Syed Farid, 1993, The Asiatic mode of production and the formative Turkic and Iranian state in modern times, Central Asian Survey. No4, Vol12
20. Majd, Mohammad Gholi, 1987, Land Reform Policies in Iran, American Journal of Agricultural Economics, 69
21. Moghaddam, Reza, 1972, Land Reform and rural Development in Iran, Land Economics, No2, Vol